



ارزیابی برگردان تضمین نحوی «إلی» در ترجمه‌های شعرانی، فیض‌الاسلام،

انصاریان و احمدی

علیرضا بابایی

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، مجتمع آموزش عالی زبان ادبیات و فرهنگ‌شناسی، جامعه المصطفی

العالمیه، قم، ایران؛ a.babaei.pr@miu.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
یکی از چالش‌های پیش‌روی مترجمان در ترجمه صحیفه سجادیه، انتقال صحیح معانی حروف جر به زبان مقصد است. این دشواری ناشی از ضرورت توجه هم‌زمان به سه‌گانه «حرف جر، متعلق و مجرور» و همچنین در نظر گرفتن قرائن لفظی و موقعیتی از جمله بافت کلام است. با تمرکز بر این سه‌گانه، پدیده‌ای زبانی به نام «تضمین نحوی» مطرح می‌شود که به معنای گنجاندن مفهوم یک فعل در فعلی دیگر، با اهدافی همچون ایجاز بلاغی و با تکیه بر قرینیت حرف جر است. غفلت از این پدیده، به ترجمه‌ها و تفاسیر نادرست می‌انجامد. سیدعلی‌خان مدنی در شرح خود بر صحیفه با عنوان «ریاض‌السالکین»، توجه ویژه‌ای به مسئله تضمین نحوی داشته است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب الگوی نقد ترجمه داذ انجام شده، به ارزیابی ترجمه‌های تضمین نحوی مربوط به حرف جر «إلی» در چهار ترجمه فارسی صحیفه سجادیه (ترجمه‌های شعرانی، فیض‌الاسلام، انصاریان و فاطمه احمدی) می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ترجمه‌های مورد بررسی در بیشتر موارد با لغزش مواجه شده‌اند و عملکرد موفقی در شناسایی تضمین نحوی و بازتاب دقیق آن در ترجمه حرف «إلی» به فارسی نداشته‌اند.	ترجمه صحیفه سجادیه، حرف جر «إلی»، تضمین نحوی، ریاض‌السالکین، ابوالحسن شعرانی، سیدعلی‌تقی فیض‌الاسلام، حسین انصاریان، فاطمه احمدی. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ مقاله علمی پژوهشی

مقدمه

صحیفه سجادیه مجموعه‌ای از دعا‌های منسوب به امام زین‌العابدین علیه السلام است که توسط فرزند ایشان، امام محمدباقر علیه السلام، نگارش یافته و امام جعفر صادق علیه السلام نیز در مجلس قرائت آن حاضر بوده‌اند. این اثر از طریق راویان موثقی مانند ابن‌سکون یا عمیدالرؤسا (از عالمان قرن ششم) با سلسله اسناد متصل به ابوالفضل شیبانی (راوی برجسته قرن سوم) نقل شده است.^۱ بسیاری از علمای امامیه در اجازات خود، این کتاب را هم‌تراز با قرآن در جایگاه «اخذ القرآن» (همزاد قرآن) در مقابل «اخ القرآن» (برادر قرآن) که اشاره به نهج‌البلاغه دارد، توصیف کرده‌اند. از دیگر نام‌های تاریخی این کتاب نزد محدثان و فهرست‌نگاران، می‌توان به «صحیفه عتیقه»،^۲ «دعاء الکامل»^۳ و «دعاء الصحیفه»^۴ اشاره کرد.

این کتاب شریف، شامل ۵۴ دعاست که مباحث عرفانی، اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد و پس از قرآن کریم و در کنار نهج‌البلاغه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متون دینی و مقدس مسلمانان - به‌ویژه شیعیان - در کشف معارف الهی شناخته می‌شود. صحیفه سجادیه در میان عالمان شیعه به «انجیل اهل بیت» و «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله» ملقب گشته است؛ همان‌گونه که انجیل حضرت عیسی علیه السلام و زبور حضرت داود علیه السلام دو کتاب آسمانی حاوی علوم و معارف الهی بودند، صحیفه نیز سرشار از دانش‌هایی است که راه‌نمای جهانیان به سوی سعادت و نیک‌بختی است.

در طول قرون متمادی، برای بهره‌مندی فارسی‌زبانان از این کتاب گران‌قدر، مترجمان مختلف به‌صورت منظوم یا منثر دست به ترجمه آن زده‌اند که تعداد این ترجمه‌ها از ۳۵ مورد فراتر می‌رود. با توجه به جایگاه بلند این متن مقدس، ترجمه آن - همچون ترجمه قرآن - از حساسیتی ویژه برخوردار است و محققان حوزه حدیث و ترجمه، از جنبه‌های گوناگون به نقد و بررسی این ترجمه‌ها پرداخته‌اند.

ترجمه دقیق متون مقدس مستلزم رعایت بایسته‌های متعددی است که یکی از مهم‌ترین آنها تسلط بر

۱. اعتبارسنجی الصحیفه السجادیة، ص ۳۲.

۲. الأملی، ص ۲۳۹.

۳. رجال الطوسی، ص ۴۱۲.

۴. رجال النجاشی، ص ۴۲۶.

دانش‌های زبان مبدأ، به‌ویژه زبان عربی، است. آشنایی با واژگان و اصطلاحات تخصصی، شناخت ساختارهای نحوی و دستوری، درک مقتضای حال و معانی ثانویه مرتبط با علم معانی و همچنین آگاهی از اسلوب‌های بیانی چون تشبیه و مجاز و صنایع لفظی و معنوی دانش بدیع، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارائه برگردانی صحیح از یک متن مقدس ایفا می‌کنند. بی‌توجهی به این عوامل، ترجمه را با آسیب‌های گوناگون علمی، فنی و محتوایی مواجه می‌سازد که یکی از نمونه‌های بارز آن در حوزه فنی، مشکلات ناشی از عدم توجه به ساختار نحوی واژگان و از جمله پدیده تضمین نحوی است.

توجه به تضمین نحوی به‌عنوان یک قاعده فرعی در گستره دانش نحو، جایگاهی ویژه در فهم دقیق متون مقدس - از جمله صحیفه سجاده - ایفا می‌کند. شناخت چارچوب و قواعد تضمین نحوی، به درک بهتر مضامین ادعیه و بهره‌مندی عمیق‌تر از صحیفه سجاده یاری رسانده و دست مترجمان را در ارائه ترجمه‌ای دقیق‌تر و تسهیل دسترسی به معنای ناب این دعاها باز می‌کند. با این حال، متأسفانه مترجمان و شارحان در عمل توجه شایسته و درخوری به این قاعده ظریف و پیچیده نشان نداده‌اند.

مورد مطالعه این پژوهش، ترجمه‌های چهارگانه زیر است:

- ترجمه ابوالحسن شعرانی (۱۲۸۰-۱۳۵۲ش)؛

- ترجمه سیدعلی نقی فیض الاسلام (۱۲۸۴-۱۳۶۴ش)؛

- ترجمه حسین انصاریان (متولد ۱۳۲۳ش)؛

- ترجمه فاطمه احمدی.

تنها فاطمه احمدی در مقدمه کتاب خود تصریح کرده است که ترجمه‌اش حاصل سه سال پژوهش تطبیقی بوده و طی آن به بیش از ده ترجمه معتبر رجوع نموده، مرتباً به فرهنگ‌های اصیل لغت مراجعه کرده، واژگان دعا را با الفاظ قرآنی سنجیده و تمامی عبارات را بر اساس شرح ریاض السالکین کنکاش ادبی نموده است.^۱

«ریاض السالکین فی شرح صحیفه سیدالساجدین» تألیف سیدعلی خان مدنی است. وی شخصیتی برجسته در علوم مختلف، به‌ویژه ادبیات عرب، به‌شمار می‌رود. در این شرح، وی به‌طور گسترده از

۱. ترجمه صحیفه سجاده، ص ۵.

هنجارها و فراهنجارهای زبانی بهره برده و پدیده تضمین نحوی را در سراسر صحیفه سجادیه شناسایی و معانی نهفته و درهم‌تنیده آن را تبیین نموده است. از این رو، این شرح به‌عنوان یکی از منابع محوری این پژوهش در کشف و تحلیل پدیده تضمین نحوی مورد استفاده قرار گرفته است.

پژوهش حاضر درصدد است برگردان تضمین نحوی را در ترجمه‌های برگزیده مورد ارزیابی قرار دهد. پدیده تضمین اقسام گوناگونی دارد: برخی مربوط به رابطه فعل متعدی با مفعول به بی‌واسطه است و برخی مرتبط با رابطه فعل با مفعول به باواسطه (حرف جر). گاه این پدیده در اسم رخ می‌نماید و گاه در حرف. گستردگی این پدیده ادبی، نویسنده را بر آن داشت تا دامنه پژوهش را به برگردان تضمین به‌کاررفته در عامل متعدی به حرف جر «الی» محدود نماید. انتخاب حرف «الی» نه به‌دلیل ویژگی خاص آن در تضمین و نه به‌سبب بسامد بالا در صحیفه، بلکه صرفاً به منظور محدودسازی حوزه تحقیق و امکان تحلیل عمیق‌تر صورت گرفته است.

همچنین، برای تکمیل پژوهش، ترجمه پیشنهادی از سوی نگارنده ارائه شده است که در برخی موارد با ترجمه‌های موجود هم‌سو است. از آنجا که زبان فارسی در بسیاری از موارد ظرفیت انتقال کامل و دقیق مفاهیم آیات و ادعیه را ندارد، گاه ترجمه پیشنهادی نیازمند توضیح اضافی است که در ادامه مباحث به آن پرداخته شده است.

دلیل انتخاب ترجمه‌های مورد مطالعه:

- ترجمه ابوالحسن شعرانی: نماینده ترجمه لفظ به لفظ.
 - ترجمه سیدعلی نقی فیض‌الاسلام: نماینده ترجمه تفسیری.
 - ترجمه حسین انصاریان: مورد استقبال پژوهشگران در سال‌های اخیر.
 - ترجمه فاطمه احمدی: به‌دلیل تصریح مترجم بر بهره‌گیری از شرح ریاض‌السالکین.
- اگر عذرخواهی مترجمان صحیفه سجادیه در قبال عدم انتقال تضمین نحوی با استناد به رویکرد غیرادبی ترجمه‌شان قابل پذیرش باشد، این توجیه برای مترجم مذکور به هیچ وجه مقبول نیست؛ زیرا وی صراحتاً اعلام کرده که در شرح تمامی واژگان صحیفه به ریاض‌السالکین مراجعه نموده است. این شرح به تمامی پدیده‌های زبانی، از جمله تضمین نحوی، توجه ویژه داشته و این پدیده نقش بسزایی در شناخت معنای واژه در بستر دستوری ایفا می‌کند.

پیشینه پژوهش: پژوهشگران حوزه حدیث و دعا، در زمینه نقد و بررسی ترجمه‌های صحیفه سجادیه، مقالاتی منتشر کرده‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. «نقش استعاره‌های مفهومی در ترجمه صحیفه سجادیه از منظر زبانشناسی شناختی و الگوی لیکاف و جانسون» (یسرا شادمان، محمدنبی احمدی، سحر ملکیان)
۲. «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن (مطالعه موردی: ترجمه انصاریان)» (محمد فرهادی، سید محمود میرزایی الحسینی، علی نظری)
۳. «تحلیل هم‌ارزی انسجام دستوری غیرساختاری در دعای دوازدهم صحیفه سجادیه و ترجمه‌های آن» (علی اکبر نورسیده، مسعود سلمانی حقیقی)

با این حال، در حوزه مطالعات ترجمه صحیفه سجادیه، هیچ پژوهشی یافت نشد که به‌طور خاص به پدیده تضمین نحوی و چگونگی برگردان آن در ترجمه‌های ابوالحسن شعرانی، سیدعلی نقی فیض‌الاسلام، حسین انصاریان و فاطمه احمدی پرداخته باشد. از آنجا که مسئله اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی برگردان تضمین نحوی در متعلق حرف جرّ «إلی» در ترجمه‌های منتخب صحیفه سجادیه است، موضوع این تحقیق، نو و بدیع به‌شمار می‌آید.

این پژوهش با روش فراتوصیفی و نقد ادبی انجام شده است. روند کار به این صورت است:

۱. مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی پدیده تضمین نحوی؛
۲. شناسایی واژگانی در صحیفه سجادیه که با حرف جرّ «إلی» متعدی شده‌اند و از دیدگاه سیدعلی خان مدنی در ریاض السالکین حاوی تضمین نحوی هستند؛
۳. تأیید و تقویت دیدگاه شارح با مراجعه به منابع معتبر لغوی و دستوری؛
۴. ارزیابی معادل‌یابی این واژگان در ترجمه‌های منتخب با رویکردی انتقادی؛
۵. ارائه ترجمه پیشنهادی توسط نگارنده.

داده‌های این پژوهش از طریق منابع اسنادی، سامانه‌های رایانه‌ای و نرم‌افزارهای تخصصی گردآوری شده است.

با توجه به نقش کلیدی تضمین نحوی در انتقال معنای دقیق و مراد جدی گوینده و همچنین با توجه به

رسالت ذاتی ترجمه در انتقال وفادارانه پیام از زبان مبدأ به مقصد، همه انواع ترجمه - اعم از تحت اللفظی، وفادار، تفسیری و حتی آزاد - مکلف به توجه و انتقال این پدیده هستند. بیتوجهی به این امر، نقضی جدی در کار ترجمه محسوب می‌شود.

جالب آنکه، مواردی از توجه مترجمان به برخی تضمین‌ها در صحیفه دیده می‌شود که نشان می‌دهد ظرفیت و امکان برگردان این پدیده در ترجمه‌های فارسی وجود دارد. بنابراین، اگر در سایر موارد از کنار آن به سادگی عبور کرده‌اند، این عبور آگاهانه و تاکتیکی نبوده و به‌عنوان موردی قابل نقد و ارزیابی در این پژوهش بررسی می‌شود.

الف. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به مسئله اصلی، لازم است مفاهیم کلیدی بحث تبیین گردد.

۱. تضمین در لغت و اصطلاح

تضمین از ریشه «ض م ن» به معنای کفالت، تعهد^۱ و درضمن گرفتن است و به‌صورت مصدر باب تفعیل (ضَمَّنَ يَضْمَنُ) به‌کار می‌رود. در لغت به معنای جای دادن چیزی درون چیز دیگر است؛ مانند قرار دادن کالایی در ظرف یا نهادن میت در قبر.^۲

این واژه در دانش نحو معنایی اصطلاحی متمایز از دانش بلاغت دارد.^۳ آنچه مرتبط با موضوع این پژوهش است، تعریف تضمین نحوی است.

نحویان تعاریف نزدیک به همی برای تضمین ارائه داده‌اند.^۴ برای پرهیز از اطاله، تنها به تعریف ابن‌هشام انصاری در «مغنی اللیب» بسنده می‌کنیم: «التَّضْمِينُ هُوَ أَنْ يُحْمَلَ اللَّفْظُ عَلَى مَعْنَى آخَرَ فَيَأْخُذَ حُكْمَهُ، فَيَكُونُ اللَّفْظُ الْوَاحِدُ فِيهِ مَعْنَيَانِ؛ تضمین آن است که لفظی بر معنای لفظ دیگری حمل شود و حکم آن را بگیرد؛ در نتیجه یک لفظ حامل دو معنا گردد».^۵

۱. الصحاح، ج ۶، ص ۲۱۵۵.

۲. همان.

۳. برای آگاهی از تعریف «تضمین بیانی» در دانش بلاغت بنگرید به: الايضاح فی علوم البلاغة، ص ۳۱۶.

۴. الخصائص فی اللغة، ج ۲، ص ۹۲؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۴۰۱؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۱.

۵. مغنی اللیب، ج ۲، ص ۶۸۵.

مثال قرآنی: «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ»؛^۱ فعل «لِتُكَبِّرُوا» به دلیل تضمین معنای «حمد»، با حرف جر «عَلَىٰ» متعدی شده است؛ گویی گفته شده: «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ حَامِدِينَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ».^۲

اقسام تضمین:

۱. تضمین فعلی: که بین دو فعل واقع می‌شود و نزد نحویان بصره اتفاقی است. این نوع، از پربسامدترین انواع تضمین است و تا شانزده زیرگونه برای آن برشمرده‌اند.^۳
۲. تضمین اسمی: که در آن معنایی به یک اسم افزوده می‌گردد. درباره وقوع تضمین در اسم، میان نحویان اختلاف نظر وجود دارد؛ اما عالمانی چون زرکشی و سیوطی آن را جایز می‌دانند؛^۴ مانند: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلَّةِ»؛^۵ در این آیه، واژه «وَلِيٌّ» متضمن معنای «مَانِعٌ» (بازدارنده) شده و به همین سبب با حرف جر «مِنَ» به کار رفته است.
۳. تضمین حرفی: که در آن یک حرف معنا و وظیفه‌ای افزون بر نقش اصلی خود می‌یابد؛ مثل: «فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَهٌ إِلَّا أَنْ تَرْكَبِي»؛^۶ در این آیه، هیئت حرفی «هَلْ لَكَ» متضمن معنای فعلی مانند «أَدْعُوكَ» یا «أُرْسِدُكَ» گردیده و به همین دلیل با حرف جر «إِلَىٰ» متعدی شده است.^۷

۲. فواید تضمین نحوی

برای پدیده تضمین، اغراض بلاغی و فواید معنایی متعددی برشمرده شده است که از جمله آنها می‌توان به بیان غایت و نتیجه فعل، تناسب لفظی و وزنی، تغلیظ معنا، کنایه و تعریض و نیز تشویق و تحریض اشاره کرد.^۸ با این حال، فراگیرترین و بارزترین فایده بلاغی تضمین، دستیابی به «ایجاز لفظی» همراه با «گسترش

۱. سوره بقره: ۱۸۵.

۲. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۲۲۸.

۳. تضمین و مصادیق آن در سوره یس، ص ۴.

۴. البرهان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۴۰۱؛ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۴۱.

۵. اسراء: ۱۱۱.

۶. نازعات: ۱۸.

۷. الخصائص، ج ۲، ص ۹۳.

۸. تضمین بیانی و اغراض بلاغی آن در قرآن، ص ۲۳.

معنایی است.

زیبایی تضمین نحوی در این است که نه تنها معنای اولیه واژه را نادیده نمی‌گیرد، بلکه همزمان هر دو معنای مستتر و ظاهر را در ذهن مخاطب فعال می‌سازد. گوینده بلیغ از طریق تضمین، دو مفهوم مورد نظر خود را به صورت فشرده در قالب یک واژه ارائه می‌دهد؛ به گونه‌ای که هیچ یک از معانی - نه معنای آشکار و نه معنای نهفته - به تنهایی مقصود نهایی نیست، بلکه هر دو در قالب یک ساختار زبانی واحد و به صورت ترکیب اتحادی (و نه صرفاً انضمامی) به مخاطب انتقال می‌یابد.

زمخشری نیز در تبیین این فایده می‌نویسد:

«أَلَا تَرَى أَنَّ مَعْنَى «لَا تَعُدُّ» فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَلَا تَعُدُّ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ»^۱ هُوَ «لَا تَقْتَحِمُ»، فَيَكُونُ التَّضْمِينُ: وَلَا تَقْتَحِمُهُمْ عَيْنَاكَ مُجَاوِزَيْنِ إِلَى غَيْرِهِمْ؛^۲ آیا نمی‌بینی که معنای «لَا تَعُدُّ» در آیه «وَلَا تَعُدُّ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ» در واقع به معنای «لَا تَقْتَحِمُ» است؟ پس تضمین به این صورت تحقق می‌یابد: و چشمانت از ایشان نگذرد [و] به سوی دیگران تجاوز نکند».

۳. برگردان

واژه «برگردان» معادل فارسی «ترجمه» است. «ترجمه» در لغت، مصدر رباعی مجرد و دارای دو معنای اصلی است: ۱. توضیح دادن و تفسیر کردن؛ ۲. انتقال سخن از زبانی به زبان دیگر.^۳ در کاربرد اصطلاحی، ترجمه عمدتاً در راستای معنای دوم به کار می‌رود و به فرآیند بازگو کردن متن نوشتاری یا گفتاری از زبان مبدأ به زبان مقصد اطلاق می‌شود.^۴ برخی از صاحب‌نظران، ترجمه را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «یافتن نزدیک‌ترین و دقیق‌ترین معادل برای واژه‌های زبان مبدأ، به گونه‌ای که روش و سبک گوینده نیز حفظ شود».^۵

در این تعریف، تأکید ویژه‌ای بر حفظ روش و سیاق گوینده شده است؛ قیدی که باعث تمایز ترجمه از

۱. کهف: ۲۸.

۲. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۲، ص ۷۱۷.

۳. المصباح المنیر، ج ۲، ص ۷۴.

۴. نقد آموزی ترجمه‌های قرآن، ص ۱۶.

۵. فن ترجمه، ص ۷.

تفسیر می‌گردد، چرا که تفسیر ممکن است فراتر از انتقال متن، به توضیح و بسط معنای آن بپردازد.

۴. الگوی دادز

هم‌اکنون روش‌های متعددی برای ارزیابی ترجمه از سوی صاحب‌نظران این حوزه مطرح شده است. از جمله چارچوب‌های مهم در این زمینه، الگوی دادز (Dod's Model) است. در الگوی دادز، ارزیابی ترجمه بر تحلیل نظام‌مند استوار است. بر اساس این الگو، منتقد ترجمه در نقش یک تحلیل‌گر متن ظاهر می‌شود که تحلیل سه‌بعدی او باید شامل موارد زیر باشد: ۱. تحلیل زبان متن مبدأ؛ ۲. تحلیل زبان متن مقصد؛ ۳. مقایسه تطبیقی بین دو متن.^۱ پژوهش حاضر، برگردان تضمین نحوی موجود در افعال متعدی به حرف جر «الی» در صحیفه سجاده را در ترجمه‌های منتخب، با به‌کارگیری الگوی دادز مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بدین ترتیب که همزمان متن مبدأ (عربی) و متن مقصد (فارسی) را مدنظر قرار داده و از طریق مقایسه این دو، به تحلیل و نقد کیفیت انتقال این پدیده زبانی می‌پردازد.

۵. حفظ ساختار طبیعی زبان مقصد در برگردان تضمین

در برگردان تضمین، باید از واژه‌ای استفاده کرد که بتواند همزمان هر دو معنای آشکار (واژه ظاهر) و پنهان (واژه تضمین‌شده) را منتقل کند. از آنجا که در زبان فارسی به‌دلیل محدودیت واژگانی، معادل‌یابی دقیق برای چنین ساختاری به ندرت ممکن است، مترجم ناگزیر به راهکار «افزایش» روی می‌آورد که یکی از شیوه‌های متداول برای ایجاد تعادل بین ساختار زبان مبدأ و مقصد است.^۲ در این شرایط، پیش از هر چیز باید ژرف‌ساخت این پدیده مشخص گردد.

در این زمینه، تنها یک نظریه مورد پذیرش اکثر ادیبان قرار گرفته و آن وجود «نقش نحوی حال» در ژرف‌ساخت تضمین است. تنها اختلاف موجود - که میان زمخشری از یک سو و بیضاوی و فخر رازی از سوی دیگر دیده می‌شود - بر سر چگونگی بازسازی عبارت با عنصر حال است. بیضاوی و فخر رازی واژه

۱. روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی، ص ۴۱.

۲. ر.ک: فن ترجمه، ص ۲۰۳؛ روش‌شناسی ترجمه تضمین نحوی در برخی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، ص ۱۵۰.

ظاهر را اصل قرار داده و معنای پنهان را در قالب حال نحوی بازمی‌نمایانند؛^۱ حال آنکه زمخشری این شیوه را انحصاری نمی‌داند و گاه معنای آشکار را به صورت حال بیان می‌کند.^۲ سیدعلی‌خان مدنی در ریاض‌السالکین به تبعیت از زمخشری، هر دو روش را می‌پذیرد.^۳ عباس حسن نیز بدون اشاره صریح به اختلاف، این دو را به مثابه دو شیوه جایگزین معرفی می‌کند که بسته به مورد می‌توان از هر یک استفاده کرد.^۴

بررسی این مسئله که آیا ژرف‌ساخت تضمین واقعاً بر پایه نقش حال استوار است و نیز در صورت پذیرش این اصل، کدام دیدگاه صحیح‌تر است، از حیثه این مقاله خارج است. نگارنده در نقد ترجمه‌ها، به دیدگاه اجماعی ادیبان پایبند است و اگر مترجمی معنای پنهان را به شیوه‌ای غیر از «حال نحوی» - مانند عطف - بیان کرده باشد، ترجمه او را دارای اشکال می‌داند؛ زیرا عطف دلالت بر استقلال و عدم تقید دارد، در حالی که در پدیده تضمین، معنای آشکار و پنهان در حالتی از اتحاد و همزمانی مقید به یکدیگر ظاهر می‌شوند.^۵

البته باید توجه داشت که برگردان تضمین همواره باید بر اساس اقتضانات زبانی مقصد صورت گیرد. برای حفظ ساختار طبیعی «حال» در زبان فارسی، روش‌های گوناگونی وجود دارد که مترجمان با توجه به بافت متن مبدأ و مقصد به‌کار می‌گیرند. هدف نهایی دستیابی به ترجمه‌ای است که: ۱. وفادار به نقش دستوری واژه در زبان عربی باشد؛ ۲. برای خواننده فارسی‌زوان طبیعی، گویا و خوش‌خوان جلوه کند. در زبان فارسی، اگر فعل پنهان به صورت عبارت‌هایی چون «در حالی که»، «با حالت» یا ساختارهای مشابه ترجمه شود، ممکن است ساختاری غیرطبیعی و نامأنوس ایجاد کند و از زیبایی و روانی کلام

۱. ر.ک: أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۲، ص ۵۹؛ مفاتیح الغیب، ج ۸، ص ۲۳۳.

۲. در تفسیر آیه «و لتکبروا الله علی ما هداکم» (حج: ۳۷) گوید: «کأنه قیل " و لتکبروا الله حامدین علی ما هداکم" (الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۲۲۸) و در تفسیر «ولا تأکلوا أموالهم إلی أموالکم» (نساء: ۲) گوید: «أی: ولا تضمونها إلیها آکلین لها» (همان، ج ۲، ص ۷۱۷).

۳. ریاض السالکین، ج ۱، ص ۶۱.

۴. نحو الوافی، ج ۲، ص ۵۲۳.

۵. المطول، ص ۲۲۵.

بکاهد. هنر مترجم در این است که بتواند تضمین را با حفظ چارچوب نحوی حال، چنان به زبان مقصد منتقل کند که هم زیبایی و انسجام متن حفظ شود و هم در فرآیند معادل‌یابی، از مرزهای ساختار طبیعی زبان فراتر نرود.

ب. تضمین واژگان متعدی به حرف جرّ «إلی» در صحیفه سجادیه و ارزیابی ترجمه‌های برگزیده

اکنون برخی نمونه‌های تضمین نحوی در واژگان متعدی به حرف جرّ «إلی» در صحیفه سجادیه و برگردان آن‌ها در ترجمه‌های برگزیده بررسی می‌شود. وجود تضمین در تمامی نمونه‌ها، با استناد به منابع لغوی و شرح ریاض السالکین درباره شیوه کاربرد واژه، اثبات شده است.

نمونه نخست: «قَبْضُهُ إِلَيَّ مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورٍ ثَوَابِهِ، أَوْ مَخْذُورٍ عِقَابِهِ» (دعای نخست)

«قَبْضٌ» در لغت به معنای «گرفتن»^۱ است و در این فراز به «إماتة» (میراندن) اشاره دارد که ذاتاً فعلی متعدی است. تعبیر از مرگ با واژه «قبض» - که در اصل به معنای جمع کردن و بستن چیزی گشوده است - در مقابل «مد» (کشیدن) قرار دارد که اشاره به گسترش حیات دارد.^۲ در اینجا امام سجاده علیه السلام فعل «قَبْضٌ» را با حرف جرّ «إلی» به مفعول دوم تعدیه داده‌اند؛ زیرا این فعل متضمن معنای «سوق دادن» (رهبری کردن، به‌سوی چیزی بردن) شده است.

ترجمه‌ها:

- شعرانی: «خداوندش بدان جای که فراخوانده است از ثواب موفور و عذاب محذور به قهر ببرد».
 - فیض الاسلام: «او را به آنچه خوانده از پاداش سرشار (بهشت) یا کیفر ترسناک خود (دوزخ) فرا گیرد».

- انصاریان: «او را به‌سوی آنچه از پاداش بسیار یا عذاب دردناک فراخوانده بود ببرد».

- احمدی: «او را به‌سوی آنچه بدان فراخوانده، از ثواب بسیار یا عذاب ترسناک فرو گرفت».

ارزیابی: هر چهار ترجمه به‌دلیل بی‌توجهی به پدیده تضمین، مبهم و فاقد وضوح معنایی هستند. علت

۱. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۶۵۲

۲. ریاض السالکین، ج ۲، ص ۲۹۱.

این امر، عدم درک ناسازگاری ظاهری فعل «قَبَضَ» با حرف جر «إِلَى» و غفلت از راهکار تضمین برای حل این ناسازگاری است. عباراتی مانند «به سوی... فروگرفت» یا «به سوی... ببرد» در فارسی معنای روشنی را منتقل نمی‌کنند. با اینکه ریاض السالکین به صراحت به تضمین معنای «توجیه» (سوق دادن) در فعل «قبض» اشاره کرده، مترجمان به این نکته توجه نکرده و ترجمه‌ای نارسا ارائه داده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: «او را در حالی که به سوی پاداش فراوان یا عذاب هولناک سوق می‌دهد، قبض روح می‌کند».

یا به شکل روان‌تر: «او را با سوق دادن به پاداش سرشار یا عذاب ترسناک، از دنیا می‌برد».

این برگردان سعی دارد هم معنای اصلی «قبض» (گرفتن جان) و هم معنای تضمین‌شده «سوق دادن» را با حفظ ساختار حال نحوی در فارسی منتقل کند.

نمونه دوم: «حَمْدًا نُنَعِّقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ» (دعای نخست)

در این فراز از دعای شریف، فعل «نُنَعِّقُ» با حرف جر «إِلَى» همراه شده و ساختاری نامتعارف ایجاد کرده است. علت این کاربرد، تضمین و اشراب معنای «صَيْرُورَةٌ» (شدن، انتقال به سوی) در فعل «نُنَعِّقُ» است. فعل «صَارَ» و مشتقات آن در معنای کامل خود (انتقال و شدن)، با حرف «إِلَى» به کار می‌رود؛^۱ چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ».^۲ بنابراین معنای این فراز با در نظر گرفتن معنای پنهان چنین خواهد بود: «صَائِرِينَ بِهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ اللَّهِ»^۳ به سبب آن، رهسپار به سوی جوار کریم خداوند می‌شویم».

ترجمه‌ها:

- شعرانی: «حمدی که ما را از آتش دردناک الهی آزاد ساخته در پناه خدای کریم محفوظ دارد».
- فیض الاسلام: «سپاسی که به آن از آتش دردناک خدا رسته بجوار رحمتش رهسپار شویم».
- انصاریان: «ستایشی که ما را از آتش دردناک خدا آزاد و در جوار کریمانه‌اش جای دهد».
- احمدی: «ستایشی که بدان از آتش دردناک الهی رها شویم و به جوار کریمانه حق نائل گردیم».

۱. شرح جمل الزجاجی، ج ۱، ص ۴۰۷.

۲. شوری: ۵۳.

۳. ریاض السالکین، ج ۱، ص ۳۵۰.

ارزیابی: در همه ترجمه‌ها به ناسازگاری ظاهری «نُعْتَقُ» با «إلی» توجه شده است. در مواجهه با این ناسازگاری، دو رویکرد متفاوت مشاهده می‌شود:

۱. ترجمه شعرانی و انصاریان: معنای «إلی» را به ظرفیت یا متعلقِ عاملی محذوف (مانند «یحفظ» یا «یضع») تغییر داده‌اند و با تقدیر گرفتن آن عامل، ناسازگاری را برطرف کرده‌اند. همچنین فعل مجهول «نُعْتَقُ» را به صورت معلوم («یُعْتَقُ») تحلیل کرده و فاعل آن را به «حمد» نسبت داده‌اند. این رویکرد تصرف زیادی در متن اصلی ایجاد کرده و از مقصود گوینده دور شده است.

۲. ترجمه فیض‌الاسلام و احمدی: حرف «إلی» را با معنای اصلی خود (انتهای غایت) حفظ کرده‌اند و برای رفع ناسازگاری، معنای دیگری مانند «رهسپار شدن» یا «نائل گردیدن» را به عبارت پیشین عطف نموده‌اند. این روش، اگرچه از نظر معنایی نزدیک‌تر است، اما بر اساس پدیده تضمین شکل نگرفته؛ زیرا عطف، دلالت بر استقلال و عدم تقید دارد، در حالی که در تضمین، دو معنای آشکار و پنهان در حالتی اتحادی و هم‌زمان مقید به یکدیگر قرار دارند.

ترجمه پیشنهادی: «ستایشی که به [برکت] آن، در حال رهسپاری به سوی جوار کریمانه الله، از آتش دردناک رهایی می‌یابیم.»

در این ترجمه:

- فعل «نُعْتَقُ» به صورت مجهول حفظ شده است.
- معنای پنهان (در اینجا «ذَاهِبِينَ» یا «رهسپار») به صورت حال نحوی («در حال رهسپاری») ترجمه شده است.
- این ساختار، هم‌زمانی رهایی از عذاب و حرکت به سوی جوار الهی را به گونه‌ای نشان می‌دهد که اتحاد و تقید معنوی میان دو عمل حفظ شود.
- استفاده از قید «رهسپارانه» یا عبارت «در حال رهسپاری»، ساختاری طبیعی در فارسی ایجاد می‌کند و از تقدیر عامل محذوف یا عطف نامناسب پرهیز می‌نماید.
- معنای پنهان از دید نگارنده، «ذاهبین» است که با حرف «إلی» سازگاری کامل دارد و ناسازگاری ظاهری را برطرف می‌سازد.

نمونه سوم: «وَأَنَا أُبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أُسْتَكْبِرَ» (دعای دوازده)

فعل «برأ» به معنای «دوری گزیدن» لازم است و با حرف جرّ «من» متعدی می‌شود.^۱ اما در این فراز از دعا، به دلیل تضمین معنای «التجاء» (پناه بردن) یا معنای متناسب دیگری مانند «فرار»، با حرف جرّ «إلی» همراه شده است. گویی این بیزاری جستن، همراه با پناه بردن یا گریختن به سوی ذات الهی است. انسان باید از هرگونه استکبار و خودبرتربینی و نشانه‌های آن - از جمله غرور - دوری کند، اما این دوری‌گزینی باید همراه با پناه بردن به خداوند باشد. استکبار به معنای سرکشی در برابر حق و دیگران است، در حالی که پناه بردن به خدا نشانه‌ای از تواضع، فروتنی و ایمان به قدرت و عظمت الهی است.

ترجمه‌ها

- شعرانی: «و من بیزارم از سرکشی بر تو».

- فیض الاسلام: «و من نزد تو از سرکشی بیزاری می‌جویم».

- انصاریان: «و من از این که در برابر تو سرکشی کنم، بیزارم».

- احمدی: «و من به درگاه تو بیزاری می‌جویم از اینکه تکبر ورزم».

ارزیابی: در ترجمه‌های شعرانی و انصاریان، واژه «إلیک» ترجمه نشده است. عبارت «بر تو» در ترجمه شعرانی، برگردان «إلیک» نیست، بلکه معادل مفعول محذوف «أستکبر» است؛ زیرا تعلق «إلیک» به «أستکبر» از نظر نحوی صحیح نیست. فعل «أستکبر» همراه با «أن» مصدریه است و این حرف در حکم صارفت طلب عمل می‌کند؛ یعنی اگرچه از ادات صارفت طلب نیست، اما مانند آنها مانع از عمل کردن واژه پس از خود در واژه پیشین می‌شود.^۲ بنابراین نمی‌توان «إلیک» را به «أستکبر» متعلق دانست و بر اساس آن ترجمه کرد.

در ترجمه فیض الاسلام، برای حل ناسازگاری «أبرأ» با «إلی»، به نیابت حروف روی آورده و «إلی» را به معنای معیت و همراهی ترجمه کرده است. این رویکرد ناشی از بی‌اطلاعی از پدیده تضمین به‌کاررفته در این فراز است.

۱. الصحاح، ج ۱، ص ۷۶.

۲. الحدائق الندیة، ص ۴۱۶.

در ترجمه احمدی نیز هیچ نشانه‌ای از توجه به تضمین و اشراب معنایی موجود در عبارت دیده نمی‌شود. بدون در نظر گرفتن ناسازگاری «أبرأ» با «إلی»، صرفاً «بیزاری جستن به درگاه خدا» ترجمه شده است. حال آنکه در ریاض‌السالکین به‌صراحت به تضمین معنای «التجاء»^۱ در فعل «أبرأ» اشاره شده است.

ترجمه پیشنهادی: «من با گریختن به‌سوی تو، از خودبرتربینی بیزاری می‌جویم».

در این برگردان، همراهی و هم‌زمانی «گریختن به‌سوی خدا» و «بیزاری جستن از خودبرتربینی» با استفاده از قید «با گریختن» (به‌عنوان معادل حال نحوی در فارسی) نشان داده شده است. این ساختار علاوه بر انتقال معنای تضمین‌شده (التجاء/فرار)، از روانی و طبیعی بودن در زبان فارسی نیز برخوردار است و از اطناب یا تصنع زبانی پرهیز می‌کند.

نمونه چهارم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِنْقِطَاعِي إِلَيْكَ» (دعای بیست و هشت)

واژه «اخلاص» در لغت به معنای «پاک کردن دل از هرگونه التفات به غیر خدا» است^۲ و حقیقت آن بیزاری جستن از ماسوی الله است.^۳ همچنین عبارت «انقطع الیه» به مفهوم «ملازم و متوجه او شدن و ترک دیگران» است.^۴ تعدیه فعل «انقطع» با حرف جرّ «إلی» - که معمولاً با آن سازگار نیست - ناشی از تضمین و اشراب معنای «توجه» در این فعل است؛^۵ زیرا ماده «توجه» با حرف «إلی» متعدی می‌شود.^۶

ترجمه‌ها:

- شعرانی: «خدایا، من دل از غیر تو برکندم و به تو پیوستم».
- فیض‌الاسلام: «بار خدایا من بپریدن از دیگری و پیوستنم بتو خود را پاک و پاکیزه نمودم (از هر چه جز تو چشم پوشیده بس بتو مینگرم)».
- انصاریان: «خدایا! بر بریدنم از غیر و پیوستنم به تو، خود را خالص و پاک کردم».

۱. ریاض‌السالکین، ج ۲، ص ۵۱۴.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۸۳.

۳. مفردات ألفاظ القرآن، ص ۲۹۲.

۴. ریاض‌السالکین، ج ۴، ص ۲۸۳.

۵. همان.

۶. الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۵۵.

- احمدی: «معبودا! من به بریدنم (از غیر تو و آمدن) به سوی تو، خود را خالص نمودم».
 ارزیابی: هر چهار ترجمه به ناسازگاری «انقطع» با «إلی» توجه کرده و آن را با تقدیر یک فعل محذوف (مانند «وصال» در سه ترجمه نخست و «مجویء» در ترجمه چهارم) و تعلق حرف جر به آن محذوف، حل نموده‌اند. اما به پدیده تضمین - که حامل ابعاد بلاغی ویژه‌ای است - توجهی نشده است؛ زیرا با فرض عطف «وصال»، ناسازگاری برطرف شده، ولی هم‌زمانی و اتحاد معنایی ناشی از تضمین نادیده گرفته شده است.

تفاوت ترجمه احمدی در استفاده از قلاب برای افزودن واژگان تکمیل‌کننده («از غیر تو و آمدن») است. اگرچه همین توجه به ناسازگاری قابل تقدیر است، اما این شیوه نشان می‌دهد که ایشان تضمین را به‌عنوان یک پدیده زبانی هدفمند درنیافته‌اند. قراردادن بخشی از معنا در قلاب، ذهن خواننده را به تقدیر و افزودن مترجم سوق می‌دهد، در حالی که در ساختار اصلی، این معنا به‌صورت درهم‌تنیده و غیرقابل تفکیک در خود واژه «انقطع» نهفته است. تضمین نحوی ابزاری برای ایجاز معنوی است و حذف یا تفکیک آن، بخشی از پیام‌گوینده را مخدوش می‌کند.

ترجمه پیشنهادی: «خدایا! دلم را با بریدن رهسپارانه به سوی تو، خالص کردم.»

این ترجمه معنای تضمین‌شده «توجه/رهسپاری» را در قالب قید «رهسپارانه» (به‌عنوان معادل حال نحوی) نمایش می‌دهد و بر هم‌زمانی «بریدن از غیر» و «متوجه شدن به خدا» تأکید می‌ورزد. در این بیان، انقطاع از غیر، بدون توجه قلبی به خدا ممکن نیست؛ بنابراین، دو عمل نه به‌صورت عطف یا تقدیر، بلکه در قالب یک فرآیند واحد و مقید ترجمه شده‌اند. این ساختار علاوه بر حفظ ایجاز بلاغی متن اصلی، روانی و وضوح لازم در زبان فارسی را نیز داراست.

نمونه پنجم: «عَمَّضَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَّخِشًا» (دعای سی و یک)

«عَمَّضَ بَصَرَهُ تَعْمِيزًا وَ أَعَمَّضَهُ إِعْمَاضًا» به معنای بستن پلک‌های چشم است.^۱ امام سجاده علیه السلام در این فراز، این فعل را با حرف جر «إلی» متعدی کرده‌اند تا معنای متمایل کردن را نیز در آن بگنجانند. در ریاض السالکین هر دو شکل تحلیل معنایی تضمین ارائه شده است: «عَمَّضَ بَصَرَهُ مُمِيلًا لَهُ إِلَى الْأَرْضِ» یا

۱. لسان العرب، ج ۷، ص ۱۹۹.

«أَمَالَ بَصَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ مُغْمِضًا لَهُ»^۱.

ترجمه‌ها:

- شعرانی: «به فروتنی دیده بر زمین دوخته».
- فیض الاسلام: «با فروتنی دیده به زمین انداخته».
- انصاریان: «از روی تواضع و فروتنی دیده‌اش را به‌سوی زمین انداخته».
- احمدی: «خاشعانه چشمش را به زمین فرو افکند».

ارزیابی: در سه ترجمه نخست، فعل «غَمَّضَ» - که به معنای فرو بستن چشم است - به درستی منتقل نشده است. تعبیر «دوختن چشم بر زمین» و «انداختن چشم به زمین»، معادل دقیقی برای این فعل نیستند؛ زیرا «دوختن» به معنای خیره شدن و «انداختن» به معنای پایین را نگاه کردن است، نه بستن پلک. همچنین در ترجمه شعرانی، «إلی» به «بر» ترجمه شده که نمی‌تواند ناسازگاری فعل با حرف جر را رفع کند.

در ترجمه‌های دوم و سوم، «إلی» با معنای اصلی خود (انتهای غایت) ترجمه شده، اما به ناسازگاری آن با فعل «غَمَّضَ» توجه نشده است.

ترجمه چهارم نیز از تضمین به‌کاررفته در عبارت غافل مانده است؛ حال آنکه با استناد به منابع لغوی و تصریح سیدعلی‌خان مدنی، وجود این تضمین محرز است. عبارت «فرو افکندن چشم به زمین» نیز ترجمه صحیحی نیست، زیرا «تَغْمِیضُ» به معنای بستن چشم است، نه پایین انداختن نگاه. کاربرد آن با «إلی»، ذهن را به معنای مضمَر (متمایل کردن) راهنمایی می‌کند.

ترجمه پیشنهادی: ۱. «خاشعانه چشمش را در حالی که به‌سوی زمین متمایل کرده بود، فرو بست»؛ ۲. «در حالی که نگاهش را به زمین می‌انداخت، با خشوع پلک‌هایش را فرو بست».

امام سجاده علیه السلام در این جمله صحنه‌ای هنرمندانه ترسیم می‌کند: بنده‌ای گنهکار، در مقام توبه و خضوع، پلک‌هایش را در همان لحظه‌ای که نگاهش به‌سوی زمین متمایل است، می‌بندد. این عمل، بیانگر

۱. ریاض السالکین، ج ۴، ص ۴۰۱.

اظهار خشوع در برابر عظمت پروردگار است. در ترجمه پیشنهادی، معنای پنهان «رَمِي» (انداختن) که با حرف «إلی» سازگاری دارد، به صورت حال نحوی («در حالی که...») بازتاب یافته و هم‌زمانی تمایل نگاه و بستن چشم به شیوه‌ای طبیعی و وفادار به ساختار زبان فارسی انتقال داده شده است.

نمونه ششم: «وَ اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ رَغَبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ» (دعای چهل و

هشت)

فعل «طلبت» در این عبارت با حرف جر «إلی» متعدی شده است، زیرا معنای «رغبت» (میل و اشتیاق) یا «ابتهاج» (زاری و تضرع) را در خود تضمین کرده است. حرف «فی» در ترکیب «رغبت فی» نیز برای بیان ظرفیت مجازی یا سببیت به کار رفته است.^۱

ترجمه‌ها

- شعرانی: «همه آنچه را که از تو خواسته‌ام و طلب کرده‌ام و به آن میل نموده‌ام، برایم مستجاب فرما».

- فیض الاسلام: «و آنچه از تو طلبیده و خواسته‌ام و در آن به درگاه تو تضرع و زاری نمودم برایم مستجاب فرما».

- انصاریان: «همه آنچه را از تو خواستم و مطالبه کردم و به خاطر آن مشتاقانه به سویت روی آوردم، برایم مستجاب کن».

- احمدی: «و همه آنچه را از تو درخواست نمودم و به درگاه تو طلب کردم و درباره آن به‌سوی تو روی آوردم برایم اجابت فرما».

ارزیابی: در هیچ‌یک از ترجمه‌های فوق، پدیده تضمین مورد توجه قرار نگرفته است. تنها در ترجمه احمدی، ناسازگاری «طلبت» با «إلی» با تقدیر گرفتن «تضرع» و عطف آن بر فعل مذکور برطرف شده است. اما همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، این روش (تقدیر و عطف) مغایر با ماهیت تضمین نحوی است و راهکار مناسبی برای انتقال هم‌زمانی و اتحاد معنایی موجود در عبارت به‌شمار نمی‌رود. هیچ‌یک از دانشمندان نحوی و بلاغی نیز چنین رویکردی را برای حل تضمین پیشنهاد نکرده‌اند.

۱. ریاض السالکین، ج ۷، ص ۲۳۸.

ترجمه پیشنهادی: «همه آنچه را که از تو درخواست نمودم و در حال ابتهاال و زاری به درگاهت طلب کردم و در پی آن به‌سوی تو روی آوردم، برای من اجابت فرما».

در این ترجمه:

- معنای تضمین‌شده «ابتهاال» (زاری) به‌صورت حال نحوی («در حال ابتهاال و زاری») نمایش داده شده است.

- هم‌زمانی «طلب» و «تضرع» به‌گونه‌ای انتقال یافته که اتحاد و تقید میان آن دو حفظ شود. ساختار جمله در فارسی روان و طبیعی است و از تقدیرهای نامربوط یا عطف نادقیق پرهیز شده است.

- این برگردان، وفاداری به ایجاز بلاغی متن اصلی و نیز انتقال دقیق معنای دوگانه را تضمین می‌کند.

نمونه هفتم: «و شفاءً لمن أنصت بفهم التصديق إلی استماعه» (دعای چهل و دو)

واژه «شفاء» به معنای بهبودی از بیماری است. خداوند قرآن را شفای بیماری‌های قلبی مانند جهل، شک، شرک، نفاق و دیگر عقاید فاسد^۱ قرار داده است. «انصات» به معنای سکوت همراه با گوش سپردن است^۲ و عبارت «نصت له» به معنای «با دقت و سکوت گوش کرد» به‌کار می‌رود.^۳ حرف «باء» در ترکیب «بفهم التصديق» برای نشان دادن همراهی است؛ یعنی سکوت همراه با درک و تصدیق.^۴ فهم به معنای دریافت معنا از کلام گوینده است و مرتبه‌ای دقیق‌تر و خاص‌تر از علم شمرده می‌شود. علم، ادراک مطلق است، خواه آشکار و خواه پنهان؛ اما فهم، درکی عمیق و ریزبینانه است. از این‌روست که خداوند در داستان داود و سلیمان عليهما السلام می‌فرماید: «فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا»؛^۵ فهم آن

۱. ریاض السالکین، ج ۵، ص ۴۱۴.

۲. المفردات، ج ۱، ص ۴۹۶.

۳. ریاض السالکین، ج ۵، ص ۴۱۴.

۴. همان.

۵. انبیاء: ۷۹.

حکم را به سلیمان آموختیم و به هر دو حکمت و علم عطا کردیم. بدینسان، فهم را ویژه سلیمان ساخت و علم را برای هر دو یاد کرد.^۱

تصدیق آن است که شنونده به سوی راست گویی خیردهنده گراید و این باور را از سرِ اختیار به او نسبت دهد. مراد از تصدیق در اینجا، اعتقاد به راست گویی قرآن و ایمان بدان است.

اضافه «تصدیق» به «فهم» از گونه اضافه اختصاصیه است. «أل» در «التصدیق» ممکن است نیابت از ضمیر مضاف الیه گرفته باشد؛ یعنی اصل آن «بفهم تصدیقه» بوده، سپس مضاف (ضمیر) حذف و «أل» جانشین آن شده است.

نمونه این کاربرد در آیه «فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى»^۲ دیده می شود که به باور کوفیان و برخی بصریان، «المأوی» در اصل «مأواه» بوده و «أل» جانشین ضمیر آمده است.

اما از دیدگاه مخالفان این نظریه، در چنین ترکیب‌هایی تقدیر «له» یا «به» وجود دارد؛ چنانکه در آیه یادشده نیز به همین سان تقدیر می شود.^۳

فعل «استمع» به معنای گوش دادن عمدی و آگاهانه است و «أنصت» به دلیل تضمین معنای گوش سپردن و توجه، با حرف جر «إلی» به کار رفته است.^۴

از آنجا که پذیرش از سوی شنونده شرط تأثیرگذاری قرآن است، امام سجاده علیه السلام شفاعت قرآن را به «کسانی که با فهم همراه با تصدیق، به آن گوش می سپارند» مقید می کنند؛ همان گونه که خداوند می فرماید: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا».^۵

مراد از «ظالمان» کسانی هستند که تکذیب و شک را جایگزین تصدیق و یقین کرده اند و در نتیجه گوش سپردنشان جز زیان نمی افزاید.^۶

۱. ریاض السالکین، ج ۵، ص ۴۱۴.

۲. نازعات: ۴۱.

۳. ریاض السالکین، ج ۵، ص ۴۱۵.

۴. المصباح المنیر، ص ۲۸۹.

۵. اسراء: ۸۲.

۶. ریاض السالکین، ج ۵، ص ۴۱۵.

ترجمه‌ها:

- شعرانی: «و درمان درد آن کس کردی که از روی اندیشه بدان گوش فرا دهد و با تصدیق آن را بشنود».
- فیض‌الاسلام: «و شفاء و بهبودی (بیماری‌ها مانند نادانی بحق و نگرودن بخدا و رسول و دورونی) برای کسی که فهمیدن آن را از روی تصدیق و باور نمودن (نه از روی تکذیب و انکار) خواسته و برای شنیدنش خاموش گشته».
- انصاریان: «و در مان برای کسی که با رعایت سکوت به آیاتش گوش فرا می‌دهد».
- احمدی: «و شفا (گردانی) برای کسی که با درک باورداشت آن، برای شنیدنش خاموش گشته».
- ارزیابی: در هیچ‌یک از ترجمه‌های فوق، پدیده تضمین در فعل «أنصت» مورد توجه قرار نگرفته است. مترجمان یا به سادگی از کنار ترکیب «أنصت إلیه» گذشته‌اند، یا آن را با عباراتی کلی مانند «گوش فرا دادن» یا «خاموش گشتن» ترجمه کرده‌اند، بدون آنکه معنای مضمّر «توجه و اقبال» را که در سایه تضمین به «أنصت» افزوده شده است، منتقل کنند.
- ترجمه پیشنهادی: «و [آن را] شفا قرار دادی برای کسی که با فهم همراه با تصدیق، در حال گوش سپردن متوجهانه به آن، خاموش شده است».
- «أنصت» که به ذات خود به معنای سکوت برای شنیدن است، به دلیل تضمین معنای «توجه و اقبال»، با حرف «إلی» متعدی شده است. در ترجمه پیشنهادی، این معنای مضمّر با قید «متوجهانه» (به‌عنوان معادل حال نحوی) بیان شده است.
- عبارت «فهم التصدیق» به صورت «فهم همراه با تصدیق» ترجمه شده تا همراهی و عدم انفکاک این دو مفهوم را برساند.
- کل عبارت در قالب یک جمله روان و منطبق با ساختار فارسی تنظیم شده است که همزمانی سکوت، توجه، فهم و تصدیق را در یک فرآیند واحد منعکس می‌کند.
- نمونه هشتم: «و لَا يَسْقَىٰ بِنِعْمَتِكَ شَقِيهٖمُ إِلَّا عَن طَوْلِ الْأَعْدَارِ إِلَيْهِ» (دعای چهل و پنج)**
- در این فراز، حرف «باء» در عبارت «بِنِعْمَتِكَ» به معنای همراهی یا سببیت است؛ یعنی: «[کسی] با

نعمت تو بدبخت نشود» یا «به سبب نعمت تو تیره بخت نگردد». زیرا گاه نعمت می تواند خود سبب شقاوت گردد. استثنای «إِلَّا عَنْ طُولِ الإِعْدَارِ إِلَيْهِ»، استثنای منقطع است^۱ و فاعل «إعذار» خدای متعال است. «عن» در اینجا به معنای «بعد از» است؛ یعنی پس از طولانی شدن فرآیند عذرخواهی و مهلت دادن. مشابه آیه: «عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصِحَّ نَادِمِينَ»^۲.

«إعذار» به معنای مبالغه در عذرخواستن از گناهکار است^۳ و مراد از مبالغه الهی در عذرخواستن، اتمام حجت بر کسانی است که هلاک یا در عذاب گرفتار می شوند؛ چنانکه خداوند فرموده است: «لِيَأْتِيَ كُفْرًا لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ»^۴. تعدیه فعل «إعذار» با حرف «إلی» نیز به دلیل تضمین معنای رساندن و اتمام حجت است.^۵

ترجمه‌ها

- شعرانی: «و بدبخت نگردد مگر دیر زمانی او را مهلت داده‌ای».
- فیض الاسلام: «و بدبخت‌شان به وسیله نعمت تو بدبخت نگردد (مستوجب عذاب نشود) مگر پس از بسیاری عذر داشتن».
- انصاریان: «و تیره بختشان به نعمت تو بدبخت نگردد. هلاکت و بدبختی آنان، پس از طول مدتی است که... عذر بسیاری از این قبیل در برابرشان قرار دادی».
- احمدی: «و بدبخت آنان با نعمت تو تیره بخت گردد؛ مگر پس از عذر (هشدار) بسیار نسبت به او».

ارزیابی: در همه ترجمه‌ها به ناسازگاری «إعذار» با «إلی» توجه شده است. با این حال: در ترجمه‌های شعرانی، فیض الاسلام و احمدی، واژه «إعذار» به «عذرخواهی» ترجمه شده که دقیق نیست؛ زیرا «إعذار» در اینجا فعل خداوند و به معنای «قرار دادن عذر (هشدار) برای بنده» است.

۱. ریاض السالکین، ج ۶؛ ص ۱۱۹.

۲. مؤمنون: ۴۰.

۳. النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۱۹۶.

۴. نساء: ۱۶۵.

۵. ریاض السالکین، ج ۶، ص ۱۱۹.

تنها در ترجمه انصاریان این واژه به درستی به «عذر قرار دادن» برگردان شده است. با این وجود، در هیچ‌یک از ترجمه‌ها تضمین معنای «رساندن/اتمام حجت» که در تعدیه فعل با «إلی» نهفته است، به طور صریح و دقیق منعکس نشده است.

ترجمه پیشنهادی

«تا اینکه کسی به [سبب] نعمت بدبخت نشود، مگر پس از آنکه عذر و هشدارت به درازا کشید و حجت را بر او تمام کردی.»

- «بِنِعْمَتِكَ» به صورت «به [سبب] نعمت» ترجمه شده تا هر دو معنای همراهی و سببیت را پوشش دهد.

- «عَنْ طُولِ الْأَعْدَارِ» به «پس از آنکه عذر و هشدارت به درازا کشید» برگردان شده است.

- تضمین معنای «رساندن/اتمام حجت» در فعل «إعذار» با افزودن عبارت «و حجت را بر او تمام کردی» به صورت صریح و هم‌زمان (در قالب حال نحوی) انتقال یافته است.

- این ساختار، تقدم زمانی اتمام حجت را بر عذاب ناشی از نعمت نشان می‌دهد و بر منطق الهی در مجازات تأکید می‌ورزد.

نمونه نهم: «و خذ بقلبي إلی ما استعملت به الثابتين» (دعای چهل و هفت)

فعل «أخذ» در لغت به معنای گرفتن و محکم نگه داشتن است و سپس در معنای کلی تسلط بر چیزی (حسی یا معنوی) به کار رفته است. تعدیه آن با حرف جرّ «إلی» به دلیل تضمین معنای هدایت یا سوق دادن در آن است؛ مانند ترکیب «أخذتُ بفلانٍ إلی کذا» (فلانی را به آنجا بردم/هدایت کردم).^۱ فعل «قَتَّ يَقْتُّ قُنُوتًا» به معنای اطاعت، دعا و خشوع کردن است^۲ و «استعملته» به معنای به کار گماشتن و مشغول کردن می‌باشد.

ترجمه‌ها

- شعرانی: «و دل مرا به کاری برگمار که طاعت پیشگان را بدان گماشته‌ای».

۱. ریاض السالکین، ج ۷، ص ۵۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۸۲.

- فیض الاسلام: «و دلم را متوجه گردان به آنچه (راهی که) اطاعت کنندگان را به آن وا داشته‌ای».

- انصاریان: «و دلم را در مسیری بر که اطاعت کنندگان را به آن به کار گرفته‌ای».

- احمدی: «و دلم را به آنچه که پارسایان را بدان گماری بگمار».

ارزیابی: در ترجمه‌های شعرانی و احمدی، نه تنها به پدیده تضمین توجه نشده، بلکه فعل «أخذ» نیز به درستی ترجمه نشده است. واژه «بگمار» معادل دقیقی برای «أخذ» نیست.

در ترجمه‌های فیض الاسلام و انصاریان، به معنای تضمین شده «هدایت/سوق دادن» توجه شده، اما معنای اصلی «أخذ» (گرفتن و نگاه داشتن) نادیده گرفته شده است.

ترجمه پیشنهادی: «دل مرا محکم بگیر و در حالی که به سوی آنچه طاعت پیشگان را بدان گماشتی، هدایت می‌کنی، نگاه دار.»

نمونه دهم: «وَ اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ رَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ» (دعای چهل و هشت)

فعل «استجابة» به معنای پاسخ دادن است و با حرف «لام» متعدی می‌شود. فعل «طلبت» در اینجا به دلیل تضمین معنای «رغبة» (اشتیاق) یا «ابتهال» (زاری)، با حرف جرّ «إلی» تعدیه شده است. حرف «فی» در «رغبت فيه» نیز برای بیان ظرفیت مجازی یا سببیت به کار رفته است.^۱

ترجمه‌ها:

- شعرانی: «همه آنچه را که از تو خواسته‌ام و طلب کرده‌ام و به آن میل نموده‌ام، برایم مستجاب فرما».
- فیض الاسلام: «و آنچه از تو طلبیده و خواسته‌ام و در آن به درگاه تو تضرع و زاری نمودم برایم مستجاب فرما».
- انصاریان: «همه آنچه را از تو خواستم و مطالبه کردم و به خاطر آن مشتاقانه به سویت روی آوردم، برایم مستجاب کن».
- احمدی: «و همه آنچه را از تو درخواست نمودم و به درگاه تو طلب کردم و درباره آن به سوی تو

۱. ریاض السالکین، ج ۷، ص ۲۳۸.

روی آوردم برایم اجابت فرما».

ارزیابی: در هیچ‌یک از ترجمه‌ها پدیده تضمین مورد توجه قرار نگرفته است. تنها در ترجمه احمدی، ناسازگاری «طلبت» با «إلی» با تقدیر گرفتن «تضرع» و عطف آن بر فعل مذکور برطرف شده است؛ اما این روش - همان‌گونه که پیشتر توضیح داده شد - مغایر با ماهیت تضمین نحوی است و مورد تأیید دانشمندان این حوزه نیست.

ترجمه پیشنهادی: «همه آنچه را که از تو درخواست نمودم و در حال ابتهال و زاری به درگاہت طلب کردم و در پی آن به‌سوی تو روی آوردم، برایم اجابت فرما».

نتیجه‌گیری

تضمین نحوی به‌عنوان یکی از پدیده‌های زبانی، با ایجاد آشنایی‌زدایی در کلام، ضمن انتقال مفهومی چندلایه، نقش مؤثری در زیبایی‌بخشی و غنای بلاغی متن ایفا می‌کند. در صحیفه سجادیه، با حذف موارد تکراری، یازده نمونه وجود دارد که در آنها حرف جرّ «إلی» با عامل خود از نظر معنایی ناسازگار است و این ناسازگاری، با استناد به معاجم لغوی و شرح ریاض‌السّالکین، اثبات‌پذیر است. در تمام این موارد، سیدعلی‌خان مدنی با تبیین پدیده تضمین نحوی، به حل این ناسازگاری پرداخته است.

تضمین در اینجا مقصود اصلی گوینده بوده و با غرض بلاغی ایجاز و نیز دیگر اهداف بلاغی همچون تغلیظ معنا یا تناسب لفظی به‌کار رفته است. این پدیده زبانی، حامل بخشی از پیام است و از همین رو، وظیفه مترجم است که در برگردان خود بدان توجه کرده و آن را همراه با سایر اجزای کلام به زبان مقصد منتقل نماید. استفاده از راهکار «افزایش عطفی» (خواه در داخل قلاب یا در متن اصلی)، ذهن خواننده را به سمت تقدیر و حذف آن معانی سوق می‌دهد و این دلالت، با غرض اصلی تضمین - که بیانگر اتحاد و هم‌زمانی در تحقق دو معنای آشکار و پنهان است - در تعارض قرار دارد.

مترجمانی چون ابوالحسن شعرانی، سیدعلی‌نقی فیض‌الاسلام، حسین انصاریان و فاطمه احمدی از جمله کسانی هستند که به ترجمه صحیفه سجادیه همت گمارده‌اند. در ده نمونه بررسی شده از این پژوهش، هیچ‌یک از این مترجمان توجه روشمندی به پدیده تضمین نشان نداده‌اند؛ بلکه یا ناسازگاری موجود در عبارت را رها کرده‌اند، یا از راهکار افزایش عطفی استفاده نموده‌اند که - همان‌گونه که توضیح

داده شد - با منطق تضمین ناسازگار است. این کاستی، ضرورت بازنگری در ترجمه‌های موجود و تأکید بر آموزش ظرافت‌های نحوی-بلاغی به مترجمان متون دینی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

منابع و مآخذ

۱. الإیتقان في علوم القرآن، سيوطي، عبدالرحمن، بيروت: دارالكتاب العربي، ۱۴۲۱ق.
۲. الأشباه والنظائر في النحو، سيوطي، عبدالرحمن، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ ۲، بی‌تا.
۳. اعتبارسنجی الصحیفة السجادية، غلامعلی، احمد، قم: نشریه علوم حدیث، پیاپی ۶۹، پاییز، ش ۳، ۱۳۹۲ش.
۴. الأمالي، مفید، محمد بن محمد، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵. البرهان في علوم القرآن، زرکشی، محمد بن عبدالله، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق.
۶. تضمین بیانی و اغراض بلاغی آن در قرآن، باقر، علیرضا، مجله صحیفه مبین، ش ۴۱، ۱۳۸۶ش.
۷. الحدائق الندیة في شرح الفوائد الصمدیة، مدنی، علی خان بن احمد، قم: ذوی القربی، بی‌تا.
۸. الخصائص في اللغة، ابن جنی، عثمان، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ ۳، بی‌تا.
۹. درسنامه ترجمه، جواهری، سیدمحمدحسن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
۱۰. رجال الطوسی، طوسی، محمد بن حسن، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم، ۱۳۷۳ش.
۱۱. رجال النجاشی، نجاشی، احمد بن علی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين بقم، ۱۳۶۵ش.
۱۲. روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه‌شده از عربی به فارسی، نصیری، حافظ، تهران: سمت، ۱۳۹۰ش.
۱۳. روش‌شناسی ترجمه تضمین نحوی در برخی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، حاجی‌خانی، علی؛ پاشانی، توحید، نشریه زبان و ادبیات عربی، ش ۳۰، ۱۳۹۳ش.
۱۴. ریاض السالکین في شرح صحیفة سید الساجدین، مدنی، علی خان بن احمد، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.

۱۵. شرح الرضی علی الکافیة، استرآبادی، رضی‌الدین محمد بن حسن، تهران: مؤسسه الصادق للطباعة و النشر، ۱۳۸۴ ش.
۱۶. شرح جمل الزجاجی، ابن‌عصفور، علی بن مؤمن، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی‌تا.
۱۷. الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، جوهری، اسماعیل بن حماد، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ ق.
۱۸. فن ترجمه، معروف، یحیی، تهران: سمت، ۱۳۹۷ ش.
۱۹. کتاب العین، فراهیدی، خلیل بن احمد، قم: نشر هجرت، چاپ ۲، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، زمخشری، محمود بن عمر، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. لسان العرب، ابن‌منظور، محمد بن مکرم، بیروت: دار صادر، چاپ ۳، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، فیومی، احمد بن محمد، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. المطول، تفتازانی، سعدالدین، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۵ ق.
۲۴. المغنی اللیب، ابن‌هشام، عبدالله، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ ۴، بی‌تا.
۲۵. مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. مقدمة الأدب، زمخشری، محمود بن عمر، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. النحو الوافی، حسن، عباس، تهران: ناصر خسرو، چاپ ۲، ۱۳۶۷ ش.
۲۸. نقدآموزی ترجمه‌های قرآن، صفوی، سیدمحمدرضا، قم: مؤسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۱ ش.
۲۹. همع الهوامع شرح جمع الجوامع فی النحو، سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.

